**پاداش**

**یغمائی، اقبال**

دردی درون سوز،شعلهء عشق از جانشان برانگیخت،آن‏گاه شوریدگی و سرمستی دیگری‏ آغاز نهادند و سخن را چاشنی قوی‏تری از شور و حال بخشیدند آیا همین روندگان وادی‏ سلوک و پرهیز نبودند که به یاد آن سرمستی‏های گذشته،معانی بلند عرفانی را در کسوتی‏ شراب و اصطلاحات مربوط به آن در ادبیات عرفانی سهمی بزرگ دارد،عارفان ما،با بی‏پروائی،این تعبیرات را گرفتند و دقایق و رموز لطیف عرفانی را با آن آراستند،عرفان‏ و تصوف با آن‏که ذوق‏انگیزترین معانی را در اختیار داشته‏اند و روح را آزادانه در وادی‏ سیر و سلوک به عوالم برتر کشانده‏اند،گویا،بی‏این بادهء حالت بخش باز چیزی کم داشته‏اند، به همین جهت نه تنها رند لاابالی می‏پرست از باده دم می‏زند بلکه زاهد زنده دل حق‏پرست‏ هم اشارات و کنایات عرفانی را با آن آرایش می‏دهد،ظاهرا زهد و عرفان درین لباس‏ عاریتی مقبول‏تر و دوست داشتنی‏تر جلوه کرده که صوفیه یا گویندگان عارف مسلک،دامنهء تعبیرات خود را-که گاه خالی از ابهام و ایهامی نیست-با وام گرفتن از آن وسعت‏ بخشیده‏اند و بالاخره حافظ گفته است:

گر پیر مغان مرشد ما شد چه تفاوت‏ در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست(\*)

(\*)-مآخذ این مقالهء لطیف در دو صفحه بود و حذف شد.شرمنده‏ایم.(مجلهء یغما)

از کتاب طرفه‏ها نوشته اقبال یغمائی

پاداش

فرخ خان امین الدوله در دربار ناصر الدین شاه اعتبار و نفوذ بسیار داشت. او سالها در اروپا زیسته بود؛به تمدن غرب آشنا و معتقد بود و آرزو داشت‏ که جوانان ایرانی به علوم و فنون جدید آشنا شوند.از سوی دیگر به‏ آراستگی تهران شوق فراوان داشت و می‏خواست پایتخت ایران نیز چونان‏ شهرهای اروپا پاکیزه و زیبا باشد.از این‏رو در فرصتی مناسب،شوق شاه‏ را به مفروش کردن خیابان‏های داخلی و پیرامون ارک از سنگ‏های صیقلی‏ جلب کرد و هم او به انجام دادن این کار مأمور شد.

فرخ خان با سلیقه تمام این کار را به پایان برد؛اما بر اثر صافی و لغزندگی سنگ‏ها رفت و آمد کالسکه‏های سلطنتی و در شکه‏ها و عابران دشوار شد.و چون در مدتی کوتاه مخصوصا برای اسب‏های کالسکه‏های دربار حوادثی‏ پیش آمد از کرده پشیمان و در اندیشهء چاره‏جویی شدند.

یکی از خادمان کم خرج‏ترین و آسان‏ترین وسیله جبران را نمد پیچیدن‏ سم اسبان کالسکه‏های سلطنتی یافت آزمودند،مفید بود.به اجرای آن فرمان‏ رفت؛و ناصر الدین شاه خادمی را که این تدبیر اندیشیده بود به اعطای درجهء سرهنگی و نشان و حمایل مفتخر فرمود!